

تاریخ: ۵۸/۴/۲۶

بیانات امام خمینی در جمع نمایندگان کارکنان روزنامه جمهوری اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

کوشش رژیم شاهنشاهی در انحراف نیروی انسانی و از بین بردن اتکاء به نفس قبلاً یک قصه‌ای را عرض کنم که شاید شماها هیچ کدام یادتان نیست. در این جنگ عمومی دوم که هیتلر پیش برد و فرانسه را گرفت و خیلی جاهای دیگر و حمله کرد به شوروی و اینها، چرچیل آن سیاستمدار انگلیسی آمد در مجلس انگلستان و شروع کرد راجع به ضعف خودشان و راجع به گرفتاری‌ها و راجع به شکست خوردن‌ها «ما کجا را از دست دادیم و کجا را از دست دادیم کار ما چطور است، مملکت ما چه خواهد شد، زندگی ما چه خواهد شد» خیلی طولانی شکایت و اینکه ما از بین رفتیم، آخرش یک کلمه گفت، گفت لکن پیروزی مال کسی است که روی موج‌های نفت سوار است و حدسش هم درست بود و پیروزی هم مال اینها شد که نفت‌های ما را بردند من هم حالا این معنا را عرض می‌کنم که الان که بعد از انقلاب است و در همه انقلابات یک آشفتنگی‌های فراوان هست، ما هم مبتلای به آشفتنگی هستیم، مضافاً به اینکه در طول، اگر نگوییم دوهزار و پانصد سال رژیم شاهنشاهی، لکن آنقدری که ما مشاهده کردیم در طول پنجاه و چند سال رژیم پهلوی کوشش شده است که مملکت ما را از هر جهت عقب بزنند، از جهت نیروی انسانی که از همه بالاتر است که الان باید بگردید، شما در سی و پنج میلیون جمعیت بگردید این طرف و آن طرف چند نفر پیدا کنید که دولت تشکیل بدهند. یک نفر بخواهید پیدا کنید رئیس جمهور بشود، باید شمع بردارید و دور همه جا بگردید و چه بکنید. اینها یک نیروی انسانی را بکلی نه به باد دادند، منحرف کردند. یک وقت این است که نیروی انسانی به باد داده شده، یک وقت یک نیروی مقابل با نیروی انسانی درست کرده‌اند، یعنی انسانی که باید متکی به خودش باشد، متکی به ملتش باشد، متکی به عقایدش باشد، این را متحول کردند به یک نیروی که متکی به غرب است، به یک نیروی که خودش را از دست داده، به خیال خودش، خودش هیچ نیست، هر چه هست خارجی‌ها هستند. نه اینکه نیرو را ما از دست داده‌ایم، نیروی متضاد با نیروی که ما باید داشته باشیم به جای آن نیرو نشسته. درست یک انسانی که باید متکی به خودش باشد و به فرهنگ خودش باشد و به رژیم خودش باشید این را متحولش کردند به یک آدمی که بدبین شده است راجع به فرهنگ خودش، راجع به نیروی ملت خودش، راجع به همه اینها بدبین شده است، خودش را از دست داده و به جای یک انسان شرقی، شده یک آدم غربی. مضیبت اینجا این

است که طولانی سال‌ها می‌خواهد تا این غریزه‌ها برگردند به حال طبیعی، نه به حساب یک انسان متمدن، به حال یک انسانی که هیچ نیست حالا می‌خواهد از سر شروع کند. این خیلی طولانی است یک شستشوهای مغزی داده بشود به این ملت که یعنی آنها می‌در این امور وارد بودند، که اینها برگردند به آن حالی که در اول قبل از اینکه غریزه بشود پیدا داشتند. این یک مشکلهای است که شاید از همه مشکل‌های ما زیاده‌تر باشد و خیلی هم از این مشکلات داریم، لکن ما هم حرف چرچیل را نظیرش را می‌گوییم، ما به نفت نگاه نداریم، ما نگاه داریم به اینکه می‌گوییم بیروزی سال آن کسی است که ملت با او موافق است و ملت با اسلام و با سعادت اسلامی، با جمهوری اسلامی موافق است. بنا بر این ما هیچ خوبی از این ریشه‌هایی که حالا دارند انقلابات می‌کنند نداریم منتها اگر خوبی باشد، برای این است که شلوغ می‌کنند، ناراحت می‌کنند، دولت را ناراحت می‌کنند، ملت را ناراحت می‌کنند — عرض یکم که — اینطور چیزها والا اینها یک چیزی که ما بتوانیم بگوئیم مشکلی است و نمی‌تواند حلش کرد

نیست.

استقرار حکومت و محدود شدن هرج و مرج با بررسی قانون اساسی و تشکیل مجلس و آنچه می‌خواهم عرض یکم این است که اصل این قضایا را، اصلاح این قضایا را به نظر بنیان‌سازان است و آن بزرگانی است که ما یک مجلسی داشته باشیم، اگر مجلس شورا آنطوری که می‌خواهیم ملی و اسلامی باشد، همه این مطبوعات اصلاح خواهند شد، همه این رادیو تلویزیون‌ها اصلاح خواهند شد، همه این ادارات تصفیه خواهند شد، یعنی ملت باید تصفیه کند به وسیله اینخاصی که می‌فرستد. انشاءالله در این دوره بر خلاف دوره‌هایی از زمان، یکی دو دوره شاید بعد از مشروطه تا حالا و با از زمان رضاشاه تا حالا دیگر آنطورها نخواهد شد که یک‌کسی به‌قول محمدرضا صلیبست را از چیزها، سفارتخانه‌ها بفرستند و ما هم مأمور اجرا باشیم. ایشان خودشان این مطلب را به صراحت گفتند منتها می‌خواست تعریف از خودش بکند که ما حالا دیگر آنطور نیستیم از بدوش تکذیب کردیم از خودش ما قبل اینوقت را، اصلش هم دروغ می‌گفت، انشاءالله ما امیدواریم که دیگر لیستی در کار نیابد که یکی لیستی بدهد و شما ملزم باشید، به لیست بدهید که هدایت کند ملت را به اینکه اینها افراد خوبی هستند، اما الزام کند ملت را که اینها را تعیین کنید یا اصلاً به ملت کاری نداشته باشد، خودشان تعیین کند و ببرد مجلس چون اصلش از خیلی وقت‌ها اینطور بود، اینها دیگر پیش نمی‌آید و انشاءالله وقتی که یک مجلسی ملی — اسلامی به همت همه ملت تهیه شد این مسائل که حالا یک قدری هرج و مرج است و یک قدری از این آزادی سوء استفاده می‌کنند، اینها محدود خواهد شد و مجلس اصلاح خواهد کرد اینها را. الان شما بخواهید که در این مسائل وارد بشوید، من چون می‌بینم که حالا که صحبت قانون اساسی است می‌طرح‌های زیاد می‌آید که بسیاری از انقلاب‌آمیزان است و بسیاری شلوغ‌بازی و بر هم کردن است، مخالف ایجاد کردن است. در همین چند روزی که صحبت قانون اساسی است، زیادتر این هجوم به اینجا می‌شود، مشکلات را می‌گویند، من هم قبول دارم مشکلات

هست، از اطراف می‌آیند و مشکلات خودشان را می‌گویند و من هم به همه آنها این سفارشی را که به شما حالا عرض می‌کنم به همه‌شان عرض کرده‌ام که ما یک مسائل اصلی داریم که الان به آن مبتلاییم و آن اینکه تدوین قانون اساسی شده منتشر هم کرده‌اند و باید نظر داده بشود، الان وقتی است که ما همه قوایمان را صرف کنیم در اینکه طرح بدهیم، اشکالاتی که راجع به قانون اساسی داریم بکنیم و بدهیم به مجلس سنا که بعدها خبرگان بیایند و نظر کنند و بالاتر از آن اینکه همه قواری صرف کنیم در انتخاب اشخاص صحیح، اشخاصی که غربی نباشند که بعد ما را بکشانند به طرف غرب، شرقی نباشند که ما را بکشانند از آن طرف، به صراط مستقیم اسلام باشند و مسلم باشند، متعهد باشند، عالم به اوضاع وقت، عالم به اسلام و — عرض می‌کنم که — امین در کارهایشان، اینطور باشند. یک همچو اشخاصی با همت همه قشرهای ملت تعیین بشود تا اینکه این قانون اساسی برزنی بشود و — عرض می‌کنم که — نقایصی اگر دارد رفع بشود و اگر یک چیزی باید به آن زیاد بشود، زیاد بشود و چیزی باید کم بشود، کم بشود و بعد هم به دسترسی ملت بدهند و ملت نگاه کند و رای بدهد، یا آری یا نه. آنوقت اساس مملکت ما یک پایه‌اش درست شده و آن پایه قانون اساسی است. دو پایه دیگر مانده و آن اینکه مجلس شورا را باید ملت خودش و کلاً تعیین کنند و کلاً هم همین جوری که عرض کردم و کلاً می‌توانند و کلاً می‌توانند که مردم در بلاد خودشان شناختند که اینها مردم صالحی هستند، اینها مردم اسلامی هستند، اینها گرایش به شرق و غرب، گرایشی به مکتب‌های فاسد ندارند، اینها را تعیین کنند. یک مجلس شورا داشته باشیم، آنوقت رئیس جمهور هم انشاءالله تعیین بشود و مملکت مرسوم، یک دولت مستقر رسمی داشته باشد با قانون اساسی، با آن جهانی که اساس مطلب است، بعدش بیائیم برسیم به قضیه مطبوعات که می‌دانیم مطبوعات صحیح نیستند، رادیو تلویزیون اشکال در آن هست — عرض کنم — ادارات در آنها اشکال هست، در وزارتخانه‌ها اشکال هست، در بازار خیلی اشکال هست، در همه جا اشکالات زیاد است اما ما الان بخواهیم برویم سراغ آن اشکالات فرعی، ممکن است که نقشه باشد که ذهن ما را به آن طرف منحرف کنند و خودمان هم متوجه نباشیم، ذهن ما را برگردانند به یک طرف دیگری و آنهایی که می‌خواهند نتیجه بگیرند، ما که الان می‌خواهیم نتیجه بگیریم نتیجه‌اش را آنها بگیرند، یعنی آنها در قانون اساسی طرح بدهند. من اشخاص مختلفی که از علمای بلاد و از اشخاصی آمده‌اند اینجا صحبت شده است گفتم آقا نشینید تا دشمن‌های شما طرح بدهند، شما خودتان طرح بدهید، خودتان صحبت کنید، نیاید پیش من بگوئید، طرح را بنویسید بدهید به آنجائهایی که باید بررسی بشود و بعد هم خودتان باید، ملت خودش باید انتخاب کند اشخاص را، البته یک معرفی هم از طرف اشخاصی که مطلع بر اوضاع هستند و مطلع بر افراد هستند، یک معرفی هم از آنها خواهد شد لکن ملت خودش باید نظر بدهد. ما الان می‌ترسیم که در اینوقتی که وقت نتیجه گرفتن از این نهضت است و باید ما جدیت کنیم که اساس را درست بکنیم، بخواهند ذهن ما را از این مطلب منحرف کنند به یک مشکلاتی که همه اینها مشکلات صحیح است، مشکل است همه اینها ذهن ما را منحرف کنند و خود آنها مسائل اصلی را خود آنها تصرف در آن بکنند. از این جهت به نظر من می‌آید که باید ما همانطوری

که اقبال انشاءها تا آن وقتی که چشمشان باز شد و توجه پیدا کردند، زیر مشکل برودید و زیر بار - عرض کنیم که - انصرافات برودید یکی دو ماه دیگر، دو سه ماه، دیگر باید تحمل کنید و اذیتانان توجه بایند به این مسائل اصلی که قدم به قدم پیش برود. باید انسان هر وقت به آن مساله‌ای که راجع به آنوقت است توجهش را بکشد این مسائل، مسائل دست دویست و این مسائل دست دوم انشاءالله حل می‌شود و انشاءالله کم کم روزنامه‌ها ترتیبش حل می‌شود و هم سایر چیزهایی که هست، انشاءالله درست می‌شود، لکن این نکته را من هر وقت و هر آن می‌گویم از باب اینکه خوب، دردی است که باید گذشت و نباید اینکه ترسید که چرا می‌گویند این راه ما می‌باید این را بگیریم، یک نفر آدم که سرش درد می‌کند، برای اینکه تکرار نشود، یک دفعه هم بگیرد دلم دردم نکند؟! خوب سرم دردم می‌کند، برسد از اینکه تکرار می‌کند؟! این طیب می‌آید، به طیب باید بگیرد سرم دردم می‌کند، اگر یک طیب دیگری آمد، به او بگیرد دلم دردم می‌کند که می‌آید آن دفعه گفتیم سرم دردم می‌کند این دفعه بگیریم دلم؟! نه چنانچه الان سرمان درد می‌کند، هر کس را می‌بینیم باید تا ناله را بزنیم که آقا آه سرم دردم می‌کند، هر کس را می‌بینیم باید بگوئیم الان وقت این است که راجع به این قدمی که الان پیش داریم ما الان طریقی که هست، نظر بدیم و راجع به وکلای که می‌خواهیم تعیین کنیم و انحصاری که می‌خواهیم تعیین کنیم که غیره مساله هستند، چشممان را باز کنیم که می‌آید یک انحصاری تا باقی وارد بشوند و لااقل اشکال تولید کنند، تو انند ولو اینکه یک کاری بکنند، لکن اشکال و هیاور و بساط برای ما درست بکنند، انشاءالله من امیدوارم که همه مسائل یا توجه به خدا، یا حفظ وحدت کلمه، یا حفظ این انقلابی که در خود روحهاست که روحیه را تبدیل کرد به یک روحیه صحیح اسلامی، این مسائل انشاءالله بیا قدرت خودتان حل بشود و حل می‌شود انشاءالله و خواهد شد انشاءالله.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته